

ترس واقعی نظام ولایت فقیه از چیست؟

احمد پوری

ترس واقعی نظام ولایت فقیه از چیست؟

از "اشرار" یا ارزشهای جدیدیست که جایگزین ارزشهای طبقه حاکم می شوند؟

"بکشید آنچه به خاطر آن شما را زیر سؤال می برند یک ارزش باشد و نه یک قانون شکنی ساده عصیانگرانه برخاسته از احساسات و هیجانات!"...

خامنه ای می گوید: ما در عرصه جنگهای نظامی، سیاسی، امنیتی دشمن را عقب راندیم!

رهبران نظام تظاهرات کنندگان را اشرار وابسته به خارج از کشور نامیدند!...

فریب جهان قصه روشن است *** سحر تا چه زاید شب آبتن است. (حافظ)

از نظر رهبران نظام هر کسی می تواند مقصر باشد بجز نظام حاکم!... فرض کنیم که جنایتکاران حاکم توانسته اند فعلا جنبش را سرکوب کوب کنند، سئوالی که باید جواب داد این است که پیروزی موقتی طبقه حاکم به چه قیمتی، چگونه و با کدام پیامدها بدست آمده؟ هنوز تا سحر وقت زیاد است... پیروزی نظامی که ستونهایش بر خون جوانان استوار گشته اثبات ورشکستگی و آخرین مراحل سقوط نظام است... نظامی که قربانیان سیاستهای خود را اشرار و مزدوران خارجی می نامد گوشها و چشمهایش را بروی واقعیات جاری بسته است... ناپلئون بدرستی می گوید: با سرنیزه می توان دهن های زیای را بست و خیلی کارها کرد ولی نمی توان بر روی آن نشست و حکومت کرد!...

ظرفیت تحمیل توده ها توسط دین، ایدئولوژی، استطورها و باورهای خردستیز جمهوری اسلامی به پایان رسیده! به همین دلیل به آخرین سلاح خود یعنی دستگاه نظامی و کشتار دگراندیشان و معترضین روی آورده اند!

جنبشهای خودجوش در اکثر شهرهای ایران تازه آغاز شده و جرقه های

اولیه آتشفشان خشم توده ها را در سوزاندن ریشه نظام نشان می دهد!

به استثنای دمکراسی همه چیز از جمله اشکال سرکوب و تحمیق جهانی شده!

توالی جنبش ها در ایران و سایر کشورهای جهان علیرغم شدت سرکوب بیرحمانه، نشانه بارزی از ناکارآمدی نظام سرمایه داری در اشکال اسلامی، مسیحی، یهودی، مذهبی و غیرمذهبی است! در تمام کشورهای جهان بطور دائم شکاف میان فقرا و ثروتمندان و حاکمان و قربانیان بیشتر می شود، علیرغم شدت سرکوب و کنترل با توسل به آخرین تکنولوژیهای نظامی و اینترنتی و رسانه ها... جنبشهای خودجوش و قیامهای توده ای در اقصا نقاط جهان افتان و خیزان در امواج متوالی به میدان می آیند و هر بار قویتر و با تجربه تر از گذشته در مقابل حریف قد علم می کنند!... نظام سرمایه داری ولایت فقیه که در مقابل تهیدستان و زحمتکشان ایران دنکیشوت وار شمشیر از نیام کشیده اند وعده کشتار و قتل عام "اشرار" را می دهند، در مقابل دستورهای اشرار واقعی یعنی رهبران بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و... برای حذف یارانهای بنزین و غیره برده وار تسلیم مطلق هستند!... نسخه های نئولیبرالی اربان جهان را جهت نابودی اقتصاد ایران و انتقال هزینه ها به گردن تهیدستان مو به مو اجرا می کنند!

منافع آقازاده ها و طبقه حاکم دیگر با راه حلهای "مسالمت آمیز" قابل دفاع نیست! مطالبات قربانیان نظام را با توسل به خرافات و باورهای مقدس مذهبی و گلوله پاسخ میدهند. چاره ای ندارند جز اینکه آنها را اشرار، تروریست، اجنبی، خرابکار، مجرم... بنامند! نظام سرمایه داری در تمام اشکال مذهبی و غیرمذهبی خود با توسل به هر بهانه ای تلاش می کند میلیاردرهای حاکم بر جهان را از مالیات معاف کند، اما کادوهای بخشش مالیاتی میلیاردری را که به شرکتهای چندملیتی داده با وادار کردن توده ها به صرفه جویی بی رحمانه و قطع یارانهای و سوبسیدهای دولتی و دزدی "قانونی" از جیب زحمتکشان، جبران کند! بی جهت نیست که هر روز بر شکاف بین فقرا و ثروتمندان افزوده می شود! اینجا نه دست نامرئی بازار، نه تصادف، نه دست خدا درکار است! با برنامه ریزی دقیق و حساب شده و دزدی قانونی میلیاردها یورو سرمایه حاصل دسترنج زحمتکشان را به حسابهای بانکی طبقه حاکم سرازیر می کنند! گوگل تنها از طریق دولت هلند از دادن 20 میلیارد دلار مالیات در اروپا در رفته!...

روشن است که چنین الگویی در حال نابود کردن بشریت و سیاره ماست! برای رهایی واقعی از دست دزدها و غارتگران ملی و بین المللی باید

هم با ایدئولوژی و باورهای خردستیز مذهبی نظام ولایت مبارزه کنیم و هم با ریشه بی عدالتی ها و فقر رشدیابنده جهانی یعنی نظام سرمایه داری مبارزه کنیم!...

اشرار یا ارزشها؟

چیزی که رژیم را می ترساند این نیست که مشتی اشرار، تروریست، اجنبی، خرابکار، مجرم... به مبارزه با رژیم برخاسته اند، آنها بهتر از هر فردی می دانند که صدها هزار جوان جان برکف به میدان آمده اند تا الگو و تجسم بخش انسجام میان گفتار و کردار یا تئوری و عمل باشند! آنچه ترس آور و نابخشودنی است، همین است!... چیزی که واقعا مورد حمله واقع می شود نه اشرار، بلکه ایده ها و ارزشهای نوینی هستند که جایگزین ارزشهای طبقه حاکم می شوند و در شدت و وسعت انتشارشان دیگر قابل کنترل نیستند! ارزشهای نوینی که آینده ارزشهای طبقه حاکم را به گذشته و گورستان تاریخ ختم می کنند! ... آنها قدرت ایده ها و ارزشهای نوین را می شناسند. ضدیت با اندیشه های عدالت خواهانه، انسان محور، طبیعت محور و سوسیالیستی بی جهت نیست و میدان واقعی مبارزه است که بنام ها و بهانه های مختلف توسط دولتها به پیش می رود! طبقه حاکم برای تداوم حکومت خود تلاش می کند هر وضعیت بحرانی را به فرصتی برای سرکوب و کنترل بیشتر توده ها تبدیل کند. و ما باید آنرا به فرصتی برای دامن زدن به مقاومت خلاق، خودسازماندهی در اشکال متنوع و ضروری، ارتقاء آگاهی، گسترش همبستگی، تحکیم درجه پیوند توده ها، ... تبدیل کنیم. این مهمترین موضوع رقابت و چالش بین دشمن سرکوبگر و انقلابیون و توده های زحمتکش است...

دگماتیسیم و شیطان سازی از دشمن راه حل نیست!

هیچ انقلابی با الگوهای از پیش آماده و تعیین شده به پیش نمی رود... تحمیل الگوها و اشکال سازماندهی فرمالیستی به جنبش های خودجوش مردمی نه یک راه حل، بلکه سد و مانع است... باید ابتکار عمل و درجه پیوند و همبستگی توده ها را در میدان مبارزه مشخص تقویت کرد... اشکال متنوع مبارزه را در رابطه با حفظ امنیت، گسترش شرکت و حمایت فعال توده ها و تضمین تداوم مبارزه در سطوح مختلف، انتخاب کرد...

اتهام اشرار به معترضانی که برای بدست آوردن مینیمومهای زندگی انسانی دست از جان شسته اند، جنایتکاران را نجات نخواهد داد! آنها شریفترین انسانهای زحمتکشی هستند که حتی ماه ها و سالها بدون دریافت حقوق و دستمزد کار کرده اند! خواهان دستمزدهای عقب

افتاده یا کاری شرافتمندانه برای تضمین مینیمومهای زندگی انسانی هستند!... تمامی دولتهای دیکتاتور چه در ایران، چه در اروپا و آمریکا جهت انحراف افکار عمومی از ریشه مسائل، نیازمند تولید دائمی دشمنانی شیطان صفت هستند تا با ضعفهای نظام روبرو نشوند و آنرا به دشمنان شیطان صفت نسبت دهند!... از آنجائیکه شیطان را از تمامی صفات انسانی لخت کرده اند، پرواضح است که زمنیه را برای هرگونه سرکوب جنایتبار آماده کرده اند!...

رهبران آمریکا هم به مدت بیش از 70 سال تمامی ضعفهای نظام و هر چیزی را که درک نمی کردند یا از آن می ترسیدند، با برجسب کمونیستم مشخص می کردند!... تئوریسین های نظام سرمایه داری سرمست از باده پیروزی در جنگ سرد تا دیروز فتوای پایان تاریخ و ابدی بودن نظام سرمایه را در جهان منتشر می کردند. طنز تاریخ آنجاست که نظام سرمایه داری بدون داشتن رقیب ایدئولوژیک و دشمن شیطان صفت، اکنون با هیچ طرفندی قادر به پنهان کردن ضعفهای ساختاری و درونی اش نیست! در تمام کشورهای جهان توده ها علیه فقر و بیکاری و بی عدالتی... بپاخواسته اند و آغاز فروپاشی ارزشهای نظام سرمایه داری را در مقابل چشمان جهانیان رقم می زنند... بدون درک ارتباط و ریشه تمامی جنبشهای کشورهای دیگر امکان رهایی و آزادی واقعی میسر نیست! بی جهت نیست که مردم ایران از زمان مشروطیت تا حالا علیرغم دادن میلیونها جانباخته راه آزادی تنها به تعویض دیکتاتورها نایل شده اند!... ولایت فقیه یکی از اشکال نظام سرمایه داری در لباس اسلامی است که خود را با نسخه های نئولیبرالی سازگار کرده! انواع دیگر اینگونه حکومتهای دیکتاتوری مذهبی عبارتند از: عربستان، مصر، اسرائیل،... و سایر کشورهای افریقایی، اما انواع سکولار و غیرمذهبی آن در کشورهای اروپا و امریکاست!...

مسئله دیگر پیش گویی فروپاشی نظام جنایتکار، و آنالیز و اثبات ضرورت براندازی آن نیست! اینها دیگر رویاهای لذت بخش دوردست نیستند، مسئله زمان رخداد و چگونگی وقوع آن و کیفیت آماده شدن پرشور و گسترده و هوشمندانه توده ها برای رویارویی با رخدادی است که به ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل شده.

مسئولیت تاریخی ما

غارتگران جهان به این دلیل توانسته اند براریکه قدرت باقی بمانند که بدلائل مختلف توانسته اند ما را از مبارزه و رویارویی با طبقه حاکم ناامید و ناتوان کنند! یا ما مسئولیت تاریخی خود را ایفا کرده و از این بحرانها بعنوان فرصتی برای تحقق رویاهای انسانی و ساختن جهانی بهتر استفاده می کنیم، یا ما بر اثر نظاره گری و بی

عملی، فرصت سرکوب جنبش توسط طبقه حاکم را فراهم کرده و اجازه می‌دهیم با مدیریت بحران، و تبدیل بحران به وسیله ای برای تداوم حکومت، فروپاشی خود را به تعویق بیندازند یا تا خیزش موج عظیم اعتراضات دیگر غیرممکن کنند!

در حقیقت زمانیکه تمدنی شروع به فروپاشی می‌کند، چه از نوع اسلامی یا سرمایه داری سکولار آن، رشد ارزشها و تمدن جدید را در درون خود پرورده... در اقصا نقاط جهان ما شاهد قیام توده های ناراضی و اضمحلال و فروپاشی نظم کهنه و فرسوده نظام سرمایه داری هستیم. نظام سرمایه داری در شکل ولایت فقیه در ایران یا در شکل سکولار در فرانسه و امریکا و اروپا و... در رویارویی با اعتراضات توده ها، نه از طریق اصلاحات ساختاری و یا جزئی و محلی، بلکه از طریق سرکوب قربانیانش به نجات خود دل بسته! بی جهت نیست که اروپا و امریکا بجای حل ریشه ای مسئله پناهندگی به برپا کردن دیوارهای مرئی و نامرئی تودرتو و سرکوب خشن و بی رحمانه روی آورده اند! درست به همین دلیل باید فضا را برای نوزایی و تولد ارزشهای نوین آماده کنیم... نظام نوینی که بر بالاترین دستاوردهای نظم کهن و ارزشهای جدید استوار خواهد شد!...

هرچند که پروسه جان کندن نظم کهن آغاز شده، اما هنوز قدرت براه انداختن انواع جنگهای بزرگ و منطقه ای و جهانی و حتی نابودی منابع و بشریت را دارند!

این روزها زحمتکشان، زنان، جوانان، کارگران، بیکاران،... با شرکت در تظاهراتها در خیابانها نه با انگشتان دست خود که پاهای خود رای می دهند! سکوت و بی عملی ما در حقیقت همراهی با جنایتکاران سرکوبگر است!...

حق انتخاب با شما قربانیان نظام حاکم بر جهان است! یا ما با آگاهی، اتحاد و همبستگی موفق می شویم آنها را از اسب قدرت پائین کشیم، یا آنها با سازماندهی تفرقه و سرکوب ما، تا مدت نامعلومی بردگی و غارت و استثمار ما را عملی می کنند!

برای پیروزی در تمام مراحل مبارزه باید حداقل به سه اصل بنیادی زیر وفادار باشیم.

یک: مبارزه علیه کلیت نظام حاکم و هرگونه باورهای خردستیز.
دو: مبارزه علیه هرگونه وابستگی و مزدوری به کشورهای دیگر.
سه: مبارزه علیه هرگونه جنگ افروزان و بحران آفرینان داخلی و خارجی.

احمد پوری

2019 - 11 - 22 (ہلند)